



شاخصی پرای رفتارشناسی رهبر انقلاب:

در صفحه مردم

انتخاب بکنند، ما و رئیس می دانیم، او را مسئول می دانیم، کمک به اور الازم می دانیم و وظیفه خودمان می دانیم.»^{۱۰} از حقیقت، حمایت رهبر انقلاب از دولتها، حمایت از رأی مردم، و به تبع آن، حمایت از هر اقدامی است که منجر به حل مشکلات مردم می شود. به سخن دیگر، حمایت از دولتها، حمایت از رأی مردم است.

• از ارائه راهکار تا هشدار و اوقات تلخ

البته این پشتیبانی و حمایت رهبر انقلاب از مسئولین اجرایی کشور که بی واسطه یا با واسطه انتخاب مردم هستند گونه‌های متفاوتی دارد. گاهی بارائی «راهکار درست و جامع» برای خروج از نواقص و اشکالات است مانند ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی. «اگر مباخواهیم مشکل رکود راحل کنیم، مشکل تولید داخلی راحل کنیم، بخواهیم مسئله‌ی بیکاری راحل کنیم، بخواهیم گرانی را مهار کنیم، علاج همه‌ی اینها در مجموعه‌ی مقاومت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی گنجانده شده است. اقتصاد مقاومتی شامل همه‌ی اینها است. می‌شود با اقتصاد مقاومتی به جنگ بیکاری رفت؛ می‌شود به جنگ رکود رفت؛ می‌شود گرانی را مهار کرد؛ می‌شود در مقابل تهدیدهای دشمنان ایستادگی کرد؛ می‌شود فرصت‌های بسیاری را برای کشور ایجاد کرد.^{۱۱}

باور صادقانه به مردم سالاری دینی
حضور مردم در انتخابات، آنقدر برای رهبر انقلاب اهمیت دارد که آن را «نعمتی بزرگ» برای کشور دانسته و عدم حضور مردم را «مصیبت» تلقی کرده‌اند. «مصلیت، آن روزی است که مردم پشت کنند به صندوق رأی؛ این مصلیت است؛ و دشمن این رامی خواهد... آرزو می‌کنند و انتظار می‌کشند روزی را که نود در صدر مردم پای صندوق‌ها شرکت نکنند... می‌گویند... باید کاری کنیم که نود در صدر مردم پای صندوق‌های رأی نیایند؛ مصلیت آن است بنده آن رامی بینم. حضور مردم پای صندوق رأی، یک نعمت بزرگی است.»^{۱۲}
سؤال آن است که «آنها چرا التغیره دارند انتخابات را کمزنگ کنند؟»^{۱۳} ۹۶/۳/۱۷
۹۶/۲/۱۶ جواب آن شخص است، چون جمهوری اسلامی، اقدار اسلامی، مبتنی بر «مردم» و حضور آنهاست. «دشمن می‌داند که قوام جمهوری اسلامی، متکی به رأی و حضور مردم است. در جمهوری اسلامی اگر مردم در صحنه بشانند، جمهوری اسلامی چیزی نیست.»^{۱۴} ۹۶/۲/۱۶
همین علت هم هست که رهبر انقلاب می‌گویند: «من مردم سالاری دینی را صادقانه قبول کرده‌ام.»^{۱۵} ۹۶/۱/۹ نتیجه‌ی این باور آن است که اگرچه ممکن است دولتها، در برخی «جهت‌گیری‌های خرد» یا «روش‌ها» با سلیقه‌های متفاوت عمل کنند، اما رهبر انقلاب خود را ملزم به کار و کمک کردن به آنان می‌دانند. «هر کسی را که این مردم

سال ۱۳۸۲ و در ایام نزدیک به انتخابات مجلس هفتم، برخی از نمایندگان مجلس ششم که در عدم تصویب طرح حذف نظرارت استصوابی شورای نگهبان ناکام مانده بودند، در اعتراض به این مسأله، در مجلس تحصن کردند. بالاگفته بعد از این اتفاق، تعدادی از اعضای کابینه دولت وقت، و برخی از معاونان وزرای نزدیک در راستای حمایت از متحصنین، تهدید به استعفا کردند. تصور آنان این بود که با تداوم ایده «خروج از حاکمیت»، می‌توانند نظام را مقاعده به پذیرش نظرات خود کنند. قدم بعدی آنان این بود که از برگزاری انتخابات مجلس هفتم در موعد مقرر سر باز نزنند. پانزدهم بهمن ماه ۱۳۸۲ اما رهبر انقلاب در دیدار با جمیع از مردم، صراحتاً اعلام کرده که «انتخابات باید در موعد خود - روز اول اسفند - بدون حتی یک روز تأخیر انجام گیرد». همین گونه هم شد و انتخابات، در موعد مقرر برگزار شد. ده سال بعد، رهبر انقلاب، با تکرار خاطره‌ی آن اتفاق چنین می‌گویند: «خیلی‌ها خواستند انتخابات را کمزنگ کنند، از وقت مقرر عقب یعنیدارند، حضور مردم را در آن کمزنگ و بی‌رونق کنند. برای این کار، انگیزه داشتند - اما نتوانستند؛ تا امروز نتوانستند، بعد از این هم به توفیق الهی نخواهند توانست.»^{۱۶} ۹۶/۲/۱۶

۴ احکام عزاداری

حکم پوشیدن لباس مشکی در ایام فاطمیه

بدتر از قاجار | ۳

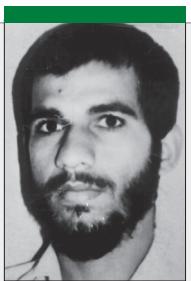
شاهی که شهرهای کشور را به نام خودش سندزده بود!

یادداشت و پژوهه | ۳

نقشه شوم آمریکایی هادر افغانستان

بهترین جوانان آن زمان سیستان شهید شدند | این شماره تقدیم می‌شود به روح پرفتوح شهید احمد آتش دست

اوین باری که من با نسل جوان این شهر روبرو شدم، تقریباً در سن و سال شباب‌بودم؛ بیست و چهار سال داشتم. این موضوع به حدود چهل سال قبل برمی‌گردد. آن روز نوعی احساس مسؤولیت، مرابه‌زاهدان و به مرکز این استان کشاند. آن زمان این مرکز از مرکز فکر و اندیشه و حرکت عمومی کشور، به مراتب دورتر از امور روز بود؛ امروز این جامر کر است. در آن زمان زاهدان واقع‌منطقه‌ای دورافتاده بود. من وقتی که به این استان تبعید شدم، همان سابقه‌ی ذهنی کمک کرد تا جوانان این استان، از بلوچ و سیستانی و فارس ارتباط برقرار کنم؛ دل‌ها به هم نزدیک شد. حالا که شما جوانان عزیز با من حرف می‌زیدید، بعضی از جوانانی را که در آن زمان با آنها در همین استان ارتباط برقرار کرده بودم، به یاد آوردم. بهترین آنها شهید شدند. شهید «کریم پور» جوانی از شهر زاهدان بود و شور و شوق همین جوانانی را داشت که امروز در این جاسخن می‌گفتند. «شهید آتش دست» هم جوانی از ایرانشهر بود.^{۱۷} ۸۱/۱۲/۶



انقلاب باید نشان بددهد که در حوزه اقتصاد کار آمد است

سه نکته برای تحقق انقلاب اقتصادی

نظامی، سیاسی و فرهنگی، دشمن تمام‌قد به جنگ اقتصادی با ملت ایران در جهت محروم کردن آنان از رفاه یک سو، و فاصله‌انداختن بین حکومت و مردم باشان دادن "ناکارآمدی اقتصادی" "جمهوری اسلامی از سویی دیگر برآمده است تا از این طریق مردم را زبدنهی حاکمیت جدا کند. فرق اقتصادی سایر حوزه‌های در این است که امور اقتصادی، از آنجا که بامساله معیشت مردم گره خورده است، بسیار ملموس تر است و کمترین تغییر در آن، خیلی سریع بروز و ظهور بیرونی پیدامی کند. به همین علت، رهبر انقلاب بارگردانست، هم از نیاز و مسأله‌ی مردم و هم از این ماهیت حریه‌ی جدید دشمن، تمرکز خود را در چند سال اخیر بر این حوزه، و مطالبه‌ی از مسئولین مبنی بر رفع مشکلات مردم، امن ساختن اقتصاد و مقاومت نمودن آن قرار داده است.

اماچه باید کرد؟

نکته‌ی اول آنکه وضعیت اقتصادی، "از ایش جنگی" "هم می‌طلبد. هم باید در "موقع تهاجم"، باتکار عمل به خروج داده و هم باید در "موقع دفاع"، جلوی نفوذ دشمن به اقتصاد کشور را گرفت و از استقلال اقتصادی کشور صیانت کرد.

نکته‌ی دوم، محدودیت امکانات و اولویت‌بندی مسائل موجب می‌شود تا نیاز به یک "برنامه‌ی جامع استراتژیک اقتصادی" احساس شود که این برنامه در ادبیات جنگی از آن به "نقشه‌ی جنگ" یاد می‌شود تا این طریق ضمن اصلی و فرعی کردن عملیات‌های اقتصادی مورد نیاز و تعیین جهت‌گیری اقتصادی، از اتفاق منابع نیز جلوگیری شود. ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توسط رهبر انقلاب، همان برنامه‌ی جامع استراتژیک است که متأسفانه تا حال، آنکه که باید اجرایی نشده است. تمرکز رهبر انقلاب بر دو مسأله‌ی «تولید و اشتغال» در شعار امسال نیز، قطعه‌ی دیگری از این برنامه‌ی کلان است.

نکته‌ی سوم هم اینکه، فهم شرایط جنگی و داشتن برنامه‌ی جامع برای آن به موفقتی نخواهد رسید مگر آنکه نیروهای اجرایی آن برنامه، دلایل روحیه‌ای جهادی و فعل و پرانرژی باشند. با کم تحرکی و تبلیغ و خستگی، بهترین برنامه‌ها هم به اهداف خود نخواهند رسید. در «مدیریت جهادی»، مسئولین باید با سیچ کردن همه‌ی امکانات، تمام تلاش خود را برای مقابله با دشمن و ثبات بخشی باهتصادی کاربگیرند و باز طریق تعامل گسترش دادن، خلاهای موردنیاز احتمالی را پر نمایند. اینها الزامات ابتدایی، برای حرکت به سمت "انقلاب اقتصادی" است. امری که در آستانه چهل سالگی انقلاب، ضرورت آن بیش از پیش رخ می‌نمایند. ●

می‌گویند کشوری که در گیر جنگ نظامی است، فکر پیشرفت را از سرشن باشد بیرون کند. چراکه پیشرفت نیازمند "ثبات" است و "امنیت"، که در زمان جنگ، هر دوی اینها بخطر می‌افتد. از این نظر، کاربرگ و محیر العقول انقلاب اسلامی، آن بود که از خستگی روزهای پیروزی خود، هم‌زمان که در گیر جنگ و تنشهای بیرونی (مانند جنگ هشت‌ساله و اوضاع تحریم‌ها و توظیه‌ها) و مشکلات عدیدی داخلی (چون ترور نیروهای موثر انقلاب، آشوب، شورش و...) بود، از پیروزی عمران و پیشرفت کشور هم غفلت نکرد. توجه به دستاوردهای انقلاب، در این مدت چهاردهه، بیانگر حجم عظیم کارهای انجام شده است.

رشد چشم‌گیر پیشرفت‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی

برای مثال در این مدت، راههای کشور ۶ برابر؛ طرفیت بنادر ۲۰ برابر، سدهای مخزنی کشور ۴۰ برابر؛ آب سرب و آب کشاورزی را تأمین می‌کنند- ۳۰ برابر، تولید برق ۱۴ برابر، تولید محصولات پتروشیمی ۳۰ برابر، تولید محصولات فولادی ۱۵ برابر و صادرات غیرنفتی ۵۷ برابر شده است، در حالی که در دوران پهلوی در همین بخش، صادرات کشور تقریباً منحصر به نفت خام بود و چند کالای دیگر که تقویت‌بایه‌ی چیزی بودند. در حوزه‌ی منابع انسانی نیز، اوضاع همین گونه است. یک قلم آن، افزایش ۲۵ برابر دانشجویان است، اول انقلاب، همه‌ی دانشجویان کشور، کمی پیشتر از دویست هزار نفر بود، در حالی که امروز نزدیک ۵ میلیون دانشجو در کشور مشغول تحصیل هستند؛ به این لیست اضافه کنید که برابر شدن اساتید دانشگاه و ۱۶ برابر شدن مقالات علمی و رتبه‌ی بازدهی ایران در جدول رتبه‌بندی علمی کشورهای جهان.

هدف دشمن از ایجاد جنگ اقتصادی

همه‌ی اینها امدادن معنای دارد که کار تمام شده و به همه‌ی اهداف خود رسیده‌ایم، به سخن دیگر، اگرچه انقلاب اسلامی در مقایسه با دوران شوم حکومت پهلوی، پیشرفت‌های خیره کننده‌ای کرده که چشم ناظران بیرونی را نیز به خود جلب کرده است، امادر مقایسه با "وضع مطلوب" و کارهای بزمی‌مانده، هنوز فاصله‌ی زیادی باقی مانده است. اصلی ترین و مهم ترین موضوع بزمی‌مانده نیز مسأله‌ی اقتصاد و معیشت مردم است که متساقن اینها باید گفت هنوز در حوزه‌ی اقتصادی، انقلاب نتوانسته است که آرمان خود راحقق کند. آن هم در حالی که کشور، در گیر یک "جنگ اقتصادی" تمام عیار باشد منان است. واضح است که پس از ناکامی دشمن در جنگ

نگرانی رهبر انقلاب از حال شیخ‌زاکرایی

رهبر انقلاب اسلامی در حاشیه‌ی بیدار رؤسای مجالس کشورهای اسلامی، نگرانی خود را از حال شیخ‌زاکرایی با مقام نیجریایی مطرح کردند. [۱]

بهره‌ی معنوی جنگ را باید مردم ببرند رئیس بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس گفت: رهبر انقلاب در هفدهم دی ماه مطلب مهمی را در خصوص دفاع مقدس فرمودند مبنی بر اینکه «ما جنگ را آن حمّت انجام دادیم، بهره‌ی معنوی جنگ را باید مردم ببرند و این هم برای یک سال، دو سال و ۱۰ سال نیست؛ بلکه متعلق به یک قرن است؛ یعنی ما همچنان که سرشکستگی قرارداد ترکمنچای راه‌هنوز داریم حس می‌کنیم؛ باید پیروزی این جنگ را ۱۰۰ سال حس کنیم و این نمی‌شود، مگر با شکافت ذره‌ی سلول‌های این جنگ. این جنگ خیلی فوق العاده است، واقع‌آفوق العاده است، هر ذره‌ی ذره‌اش را آمد ببرود و بشکافد در آن حرف‌ها و مطالب است». [۲] [۳]

افشای طرح سری انگلیس برای حمله به تأسیسات نفتی خاورمیانه

اسناد از طبقه‌بندی خارج شده دلت انجلیس نشان می‌دهد لندن یک برنامه‌ی سری برای نابود کردن منابع نفت منطقه‌ی خاورمیانه بالستفاده‌از سلاح هسته‌ای تهیه و تدوین کرده بود تا افتادن این منابع و صنایع به دست افراد "ناباب" جلوگیری کننداطبق این گزارش، هری تروریون، رئیس جمهور اسبیت آمریکا، سند شماره‌ی ۲/۲۶ NSC شورای امنیت ملی آمریکا رابلغ کرد. این سند تصریح می‌کرد در صورت حمله اتحاد جمahir شوروی به خاورمیانه، منابع و تأسیسات نفتی این منطقه پیش از رسیدن ارتش سرخ شوروی به آن نابود خواهد شد. [۴] [۵]

رأی الیوم: ایران به لطف مردم و پیشرفت‌های علمی کشوری قدر تمدن‌است

روزنامه‌ی رأی الیوم در باداشتی نوشت: ایران به لطف مردم و پیشرفت‌های علمی و سیاسی، کشوری بزرگ و قدر تمدن‌است و با وجود دشمنی‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی، باز هم مهم ترین و بیشگی آن توانمندی نظام و ثبات سیاسی این کشور است. این کشور، دوران تحریم را پشت سر گذاشت، تحریم‌هایی که آمریکا به شکل هوشمندانه‌ای علیه این کشور اعمال کرد؛ اما مسؤولان ایران، به شیوه‌های هوشمندانه‌ای که کمتر از سطح هوشمندی دشمنان نبود، با این تحریم‌ها برخورد کردند. [۶] [۷]

اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا مطرح کرد:

چهار سیاست کلیدی آمریکا در سوریه

اندیشکده‌ی شورای روابط خارجی آمریکا که ریاست آن را ریچارد هاس بر عهده دارد، در گزارشی با عنوان "ارتباط عملیات کنونی با بلندپروازی هادر سوریه"، چهار سیاست کلیدی که باید توسط سیاستگذاران ایالات متحده در سوریه بیشتر مورد توجه قرار گیرد "امور دربررسی قرارداد سیاست اولی" که نویسنده برای آمریکا تجویز می‌کند این است که ایالات متحده باید دیدگاه خود را در مورد شمال و شرق سوریه بیان کند و می‌نویسد: "ایالات متحده باید متعهد شود که نیروهای خود را در آنچه‌گاه دارد تا مانع که مذاکرات رژیونالیستی این را نمایند. "سیاست دومی که نویسنده از آن می‌نویسد: "ایالات متحده باید باید با تأمين مالی، آموزش، مشاوره و اداره نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) در جهت مخالفت مستقیم با متحده عضو ناتوی خود یعنی ترکیه، قرار گیرد." نکته‌ی سوم، سنجش استراتژی ایران است. نویسنده می‌نویسد: "سوریه مرکز استراتژی منطقه‌ای ایران است که از لحظه تاریخی مرکزی برای حمایت از حزب الله لبنان بوده است." نویسنده تجویز می‌کند که "ایالات متحده باید تعیین کند که چگونه مستقیم به مبارزه با این رژیونالیستی ایران در سوریه می‌پردازد... آمریکا باید اهداف خود را در سوریه می‌پردازد... این روز اتصال با استراتژی روسیه است. وی در این قسمت به خواسته‌های روسيه از میدان سوریه اشاره کرده و به آمریکا تجویز می‌کند که باید مشخص کند چه اندازه فشار را براین کشور می‌خواهد اعمال کند. ●



گزارش
رصدی

۱) واژه فرسته‌ها استفاده کرد؛ شرط‌ش این است که برای اقتصاد مقاومتی کار و تلاش انجام بگیرد.^{۱۱}

گاهی حمایت از طرح‌هایی است که دولتمردان، آنها را راهکار حل مشکلات می‌دانند، مانند حمایت رهبر انقلاب از مذاکرات مذکون دولت یا زدهای در ماجراهای مذاکرات هسته‌ای، رهبر انقلاب، اگرچه از ابتدا با شناخت درست از رفتار دشمن و تجزیه‌های سی‌ساله اندکاب اسلامی، به فرجام مذاکرات «خوبشین» نبودند و به تبع آن، جاری مشکلات کشور را در مذاکره و توافق با کشورهای غربی نمی‌دانستند، اما به دلیل آنکه، دولتمردان تصور می‌کردند که راه رهایی از «تحریم‌ها» و درنتیجه، «گشایش اقتصادی»، از طریق توافق هسته‌ای است، اجازه مذاکرات را به آنان دادند.

و گاهی نیز، به دلیل اطلاع دقیق از مشکلات و مطالبات واقعی مردم از سویی، و عدم رسیدگی به آن مشکلات از طرف مسئولین از سویی دیگر، در جلسات خصوصی مکررا به آنان تذکر اتی داده‌اند.

تذکر اتی که بعضاً «هشدار» یا حتی «وقت تاخی» همراه بوده است. «بعضیها گله می‌کنند که چرا

فلانی تذکر نمی‌دهد؛ نخیر، بنده زیاد تذکر می‌دهم، اینکه می‌بینید من گاهی علناً یک چیزی می‌گوییم، این یکدهم تذکرات و اوقات تاخی‌ها و هشدارهای مباراً آقایان نیست. در جلسات حکومتی، بنده غالباً تذکر، هشدار و مطالبه، زیاد دارم. اینجور هم نیست که مازاً قضايا مطلع بشایم؛ حالاً بعضیها می‌گویند فلانی از فلان قضیه مطلع نیست؛ بنده از آن مسائل اجتماعی و عمومی و اساسی‌ای که مردم از آنها مطلع می‌شوند، باید ده برای آنها مطلع باشم و الحمد لله هستم... آنچه من گاهی علني می‌گوییم، یکدهم آنچه در جلسات خاص با آقایان عرض می‌کنیم هم نمی‌شود؛ گاهی هشدار می‌دهیم، گاهی دعوامی کنیم.^{۹۶/۱۰/۱۹}

این موضوعاتی که مطرح شد، نمونه‌ها و بخش‌هایی از مجموعه‌ی اقدامات و کنش‌های رهبر انقلاب است برای حل مشکلات مردم، که نتیجه‌ی آن، تقویت حکومتی است که به دنبال پیاده‌ساختن احکام اسلامی در کشور است.

اگرچه روش‌های رهبر انقلاب فراتر از موارد یاد شده است. پس اگر رهبر انقلاب حتی یک قدم از تغییر روز انتخابات را برآورد کند، اگر یک قدم از رأی مردم عقب‌نشینی نکرده و زیر بار «بدعت‌های غیرقانونی» نمی‌روند، اگر از نامزد منتخب مردم حمایت می‌کنند، اگر از دولتها حمایت می‌کنند یا برای گره گشودن از مشکلات، راهکار ارائه میدهند، و یا حتی اگر تذکر و هشدار و اوقات تاخی با مسئولین می‌کنند، همه برای آن است که همه‌ی همت‌ها و وقت‌ها صرف حل مشکلات مردم شود. با این شاخص هاست که می‌توان به صورت درست‌پی به رفتار رهبر انقلاب برد.

چرا آمریکایی‌ها بعد از عراق و سوریه به دنبال افغانستان‌اند؟

نقشه شوم آمریکایی‌ها در افغانستان

صبح روز سه‌شنبه^{۱۲} (ابهم)، رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج خود، درباره‌ی حوادث تزویریستی اخیر افغانستان، و آنکه نشان داده و درباره‌ی آن فرمودند: «همان دسته‌های که داعش را به وجود آوردند... چه در عراق، چه در سوریه... و آن جنایات را به سوابی داعش مرتكب شدند و داعش را بازیار قرار دادند برای آن همه ظلم بازگر به مردم، همان‌ها باز داردند ادعش را منتقل می‌کنند به اینجا، یعنی آب‌افغانستان؛ آنچا کشت خود دند، می‌خواهند اینجا دوباره شروع کنند». واقیت این است که شرایط امنیتی در افغانستان بعد از گذشت ۱۷ سال از حمله آمریکایی‌ها این کشور، همچنان در حالت اضطراری قرار دارد. در سطح داخلی شکنندگی حکومت وحدت ملی، تشدد در قابل‌های سیاسی و البته تقویت مواضع نیروهای افرادی قابل مشاهده است. همزمان شدن موج جدید ناسابمانی‌ها در داخل افغانستان باشکست داعش در عراق و سوریه نیز این احتمال را تقویت می‌کند که افغانستان همچون دوران طالبان و القاعده، برای دیگر به پایگاه‌های گروه‌های تزویریستی اینجا نماده است. دیمتری نیرسیسوف، تحلیلگر روس در مجله‌ی «پراودا» در این باره می‌نویسد: «اقدامات اخیر آمریکایی‌ها در افغانستان و پاکستان توطئه‌ای برای حفظ هرج و مرج امنیتی در منطقه است. موقعیت چغرافیایی افغانستان بسیار مناسب‌این است که پایگاه‌های ناظمی علیه کشورهای ایران، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی باشد. ایجاد بحران در افغانستان علاوه بر ایجاد بهانه‌ی کافی برای حضور نظامی آمریکا در منطقه می‌تواند فشار روانی بر جبهه‌ی مقاومت و حامیانش را فرازیش دهد». پیش از این برخی چهره‌های مطرح سیاسی از جمله «حامد کرزی» رییس جمهور سابق افغانستان، آمریکایی‌ها حمایت از گروه‌های تزویریستی متمم کرده‌بود. آنچه این گمانه را بیش تقویت می‌کند پیوستگی منافع ملی آمریکایی‌ها باقی تزویریسم در غرب آسیا است. چراکه سیاست خارجی آمریکا در سال‌های گذشته به دنبال برنامه‌ریزی برای حضور سه‌دهم‌ای در عراق به اینهای مبارزه با تزویریسم بود. اما حالاً شکست نهایی داعش، منافر راهبردی آمریکا برای مداخله‌جویی در عراق را تهدید مواجه کرده است. بنابراین این روزها وشنگن با جدیت برای ایجاد «بحران جدید» در منطقه تلاش می‌کند.

بمناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا به روایت ۷۵ روز

نقطه در خشان زندگی حضرت زهرا^(علیها السلام) جمع این سه چیز است

این سه بُعد را بهم جمع کردن، نقطه‌ی در خشان زندگی فاطمه‌ی زهرا^(علیها السلام) است. آن حضرت، این سه جهت را زمینه‌ی جدا نکرد. بعضی خیال می‌کنند انسانی که مشغول عبادت است، یک عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است و نمی‌تواند یک انسان سیاسی باشد. یا بعضی خیال می‌کنند کسی که اهل سیاست است چه زن و چه مرد... و در میدان جهاد فی سبیل الله^(علیها السلام) حضور فعل دارد، اگر زن است، نمی‌تواند یک زن خانه با وظایف مادری و همسری و کدیانی‌بی باشد و اگر مرد است، نمی‌تواند یک مرد خانه و دکان و زندگی باشد. خیال می‌کنند اینها با هم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این سه چیز با یکدیگر منافات و ضدیت که ندارد؛ در شخصیت انسان کامل، کمک کننده هم است.

۶۸/۹/۲۲●

در زندگی معمولی این بزرگوار، یک نکته‌ی مهم است و آن جمع بین زندگی یک زن مسلمان در رفتارش با شوهر، فرزندان و انجم وظایفش در خانه از یک طرف و بین وظایف یک انسان مجاهد غیور خستگی ناپذیر در برخورش با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم^(علیها السلام) که به مسجد می‌آید و سخنرانی و موضوع‌گیری و دفاع می‌کند و حرف می‌زن و یک جهادگر به تمام معنا و خستگی ناپذیر و محنت‌پذیر و سختی تحمل کن است، از طرف دیگر. همچنین از جهت سوم، یک عبادتگر و پیادارنده نمایز در شعبه‌ای تار و قیام کننده‌ی الله و خاضع و خاشع برای پروردگار است و در محراب عبادت، این زن جوان مانند اولیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز و عبادت می‌کند.



شاھی که شهراه‌ای کشور را به نام خودش سند زده بود!

انقلاب ما یک حرکت عظیم مردمی علیه حکومتی بود که تقریباً تمام خصوصیات یک حکومت بدراداشت؛ هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم تحملی و کودتایی بود و هم بی کفایت بود. در فساد مالی‌شان همین بس که خود شاه و خانواده‌ی او در بیشتر معاملات اقتصادی کلان این کشور داخل می‌شدند. خود او و برادران و خواهرانش، جزو کسانی بودند که بیشترین ثروت‌اندوزی شخصی را کردن. رضاخان در دوران شانزده، هفده ساله‌ی سلطنت خود، ثروت کلانی اندوخت. بدینیست بدانید که بعضی از شهرهای این کشور، به حسب سند، درست متعلق به رضاخان بوداً مثلاً شهربیریمان تمام‌امال ملک رضاخان بوداً بهترین املاک و زمین‌های این کشور، متعلق به او بود. او به این چیزها و به جواهرات علاقه داشت. البته بجهه‌ی این قدری مشرب و سیعری داشتند؛ هرگونه ثروتی را دوست می‌داشتند و جمع می‌کردند! بهترین دلیل هم این است که وقتی اینها ازین کشور رفتند، میلاردها دلار ثروتشان در بانک‌های خارجی ایاشتۀ شده بود... آن وقت تخمینی که از مال مجموع این خانواده زده می‌شد، ده‌امیلیارد دلار بودا... این پول‌هایی بود که زراندوزی‌ها و ثروت‌اندوزی‌های را باز حمتشکی که به دست نیاورده بودند، کاسبی مشروع که نکرده بودند؛ اینها پول‌هایی بود که زراندوزی‌ها و ثروت‌اندوزی‌های غیرمشروع آن را بوجود آورده بود.^{۱۳}

